

راهکارهای تحقق خودکفایی در تربیت انسان از دیدگاه آیت الله حائری شیرازی

حجت الاسلام والمسلمین محمد شهبازنیا*

اشاره

هدف اساسی تربیت در نظام فکری آیت الله حائری شیرازی، حاکمیت انسانیت بر نفسانیت است؛ بنابراین وظیفه اساسی والدین و مربیان نیز فراهم آوردن شرایط مناسب برای تحقق این هدف است. در اندیشه ایشان با توجه به استعدادهای درونی انسان (عقل، قلب و فطرت) برای رسیدن به این هدف، باید حاکمیت انسانیت از طریق قوای درون انسان و به گونه‌ای خودکفا حاصل شود. چگونگی تحقق این خودکفایی در حاکمیت انسانیت بر نفسانیت پرسش این پژوهش است. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی آثاری که از این اندیشمند به نوشتار درآمده است، به تنظیم و تطبیق راهکارهای بدیع و متنوع موجود در این آثار با اهداف محوری و اصول تربیتی موردنظر ایشان پرداخته شده است؛ در نهایت، راهکارهای تحقق خودکفایی ذیل شش محور اساسی سامان‌دهی شد: ایجاد فضای رشد و شکوفایی واعظ درون، پرورش اوصاف فطری، رفع تعلقات دنیوی، اعطای بینش صحیح، پرورش قدرت تفکر و تربیت فطرت بر فطرت. این ساختار تربیتی متناسب با دستگاه فطرت و طبیعت انسان و برای تقویت بعد فطری اوست. ذیل هرکدام از این محورها، اصول و روش‌های تربیتی و نیز راهکارهایی بدیع و عملی برای اجرای آنها ارائه شده است.

بیان مسئله

زنده‌یاد آیت الله حائری شیرازی یکی از اندیشمندان معاصر هستند که با بررسی‌های عمیق در آیات و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به استنباط مبانی تربیت اسلامی پرداخته‌اند. محور و هدف تربیت

* سطح ۳ حوزه علمیه قم.

در اسلام از دیدگاه این اندیشمندان، شکوفایی انسانیت و حاکمیت آن بر نفسانیت است که جنبه نورانی و اعلای وجود آدمی است. عقل، قلب و فطرت، جنبه اعلای انسان است که همانند واعظی از درون، هدایت‌گری شخص را بر عهده دارد. شکوفایی این استعدادها درونی نویدبخش خودکفایی فرزند در یافتن و پیمودن مسیر رشد و مهار طبیعت (خواسته‌های نفسانی) است.

وجود دو جنبه فطرت و طبیعت، مقتضی این است که برای رسیدن به هدف تربیت راهکارها و شیوه‌های متناسبی با این ویژگی انسان بیابیم. آیت‌الله حائری شیرازی با بیانی زیبا و مباحثی عمیق از انسان‌شناسی متکی به منبع وحی، برای شکوفایی فطرت و مهار طبیعت در چند محور اساسی به ارائه اصول و روش‌های تربیتی همراه با ارائه راهکارهای عملی می‌پردازند. هدف این پژوهش، یافتن محورهای اساسی در ارائه اصول و روش‌های تربیتی برای تحقق این هدف از میان بیانات و تمثیلات متعدد و متنوع این اندیشمندان است.

پیشینه پژوهش

تلاش‌های علمی آیت‌الله حائری شیرازی بیشتر در قالب سخنرانی‌هایی که با مریبان و متولیان امر تربیت داشته‌اند، بروز یافته است. با تلاش برخی فضلالی این عرصه، از مجموع سخنرانی‌های متعدد ایشان در عرصه تربیت، کتاب راه رشد در چهار جلد مری و تربیت، تربیت دینی کودک، تعلق و تفکر به چاپ رسیده است. نشر این آثار توجه دانش‌پژوهان این حوزه را به خود معطوف کرد. علی فاطمی‌پور در رساله خود با عنوان «مبانی انسان‌شناختی و اهداف تربیت اخلاقی بر اساس دیدگاه آیت‌الله محی‌الدین حائری شیرازی» به دوگانه فطرت و طبیعت می‌پردازد و پس از آن به اهداف تربیت از دیدگاه ایشان پرداخته است و «بندگی و عبودیت خداوند» را هدف غایی و اهدافی مانند «خودکفایی در حاکمیت انسانیت بر نفسانیت» و «شکوفایی انسانیت» را از اهداف میانی از منظر این اندیشمند می‌داند.

طه اسفندیاری و حامد تهوری در مقاله «نوآوری‌های اندیشه تربیتی آیت‌الله حائری شیرازی»، هدف اصلی تربیت از دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی را حاکمیت انسانیت بر نفسانیت می‌دانند و ذیل آن اهدافی چون «رشد عقل»، «استقلال و خودکفایی» و ... را مطرح می‌کنند؛ در ادامه نیز برخی از اصول و روش‌های تربیتی نوآورانه این اندیشمند برای تقویت عقل و فطرت را بیان می‌کنند.

در پژوهش حاضر، برنامه جامع تربیتی آیت‌الله حائری شیرازی برای حصول خودکفایی در

تربیت در قالب شش محور اساسی تنظیم شده است که ذیل هر محور به بیان اصول، روش‌ها و راهکارهایی عملی برای تحقق این هدف پرداخته می‌شود.

مبانی

دستگاه فطرت و طبیعت

عقل، فطرت و قلب در جایگاه پیامبران درون و حجت‌های باطنی و جنبه نورانی انسان هستند که هیچ انحراف و مریضی در آنها نیست؛ زیرا تشخیص اشتباه منافی جایگاه «حجیت» است؛ اما برخورد نامناسب با این سه حجت درونی، آنها را زندانی و منزوی می‌کند.^۱ آیت‌الله حائری شیرازی در برابر این سه پیامبر درون، از نفس انسان با عنوان «طبیعت» یاد می‌کنند؛ دستگاهی بدون قدرت تشخیص خیر از شر و فقط برای اعلام نیازها و خواسته‌های مادی انسان و درحقیقت پوسته‌ای برای اصل انسانیت. ویژگی نفس، خودمحوری در همه خواسته‌هاست.^۲ حاکمیت نفس، انسان را از اهداف عالی خود باز می‌دارد و به امور پست متعلق می‌کند. نفس زمانی در خدمت این اهداف قرار می‌گیرد که خواسته‌های او تحت مدیریت عقل برآورده شود. از نگاه آیت‌الله حائری شیرازی، شاه‌کلید مباحث انسان‌شناسی در توجه به دستگاه فطرت^۳ و طبیعت است.^۴

برخلاف اندیشمندان غربی که انسان را محکوم شرایط محیطی، فرهنگی، طبقاتی و ... می‌دانند، آیت‌الله حائری شیرازی با توجه به آموزه‌های وحیانی، عامل تعیین‌کننده سعادت یا شقاوت آدمی را «مافی‌الانسان» یا حاکم درون او می‌دانند. حاکم درون یکی از دو جنبه نورانی (عقل، قلب و فطرت) و ظلمانی (طبیعت یا نفس حیوانی) است که بر دیگری غالب شده باشد.^۵ بنابراین شرط سعادت انسان در هرگونه شرایط محیطی، برخورد عقلانی با شرایط است.^۶

مربی درون عامل خودکفایی و مسئول تربیت انسان

آیت‌الله حائری شیرازی هدف تربیت را شکوفایی انسانیت می‌دانند؛ بنابراین مهم‌ترین وظیفه

۱. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۱، ص ۶۷-۶۸؛ همو، تربیت دینی کودک، ص ۳۹.

۲. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۱، ص ۴۳ و ۷۰.

۳. مراد ایشان از فطرت، جنبه نورانی و اعلای انسان اعم از عقل، فطرت و قلب است.

۴. همان، ص ۵۵ و ۶۶.

۵. همان، ص ۱۰۷.

۶. همان، ص ۱۰۶-۱۰۷.

مربی نیز تنظیم شرایط و برداشتن موانع برای شکوفایی این استعداد بالقوه درون انسان است.^۱ از این قوه در روایات با تعبیر «واعظ من نفسه»، یا «حجة باطنه» یاد شده است.^۲ «مربی باید کاری کند که انسانیت این متربی بر نفسانیت و حیوانیت او به طور "خودکفا" غالب شود؛ به قسمی که مربی به تدریج از صحنه زندگی آن متربی دور بشود و بدون دخالت این مربی، آن فرد متربی غلبه و تسلط خودش را بر هواها و غرائز خودش حفظ کند».^۳ به عبارت دیگر هدف در تربیت، بیداری واعظ درونی متربی و سپردن تربیت به اوست.^۴

راهکارهای تحقق خودکفایی

آیت‌الله حائری شیرازی اصول و روش‌های متعددی برای حصول خودکفایی در تربیت ذکر می‌کنند که این موارد در این پژوهش ذیل شش محور کلی تنظیم شده است. تحقق خودکفایی افزون بر بیداری واعظ درون، نیاز به رفع مانع تعلقات پست و همچنین بینش صحیح برای یاری عقل در انتخاب و گزینش خیر نیاز دارد.

محور اول، ایجاد بستری مناسب برای بیداری و شکوفایی عقل و فطرت است که از ابتدای ولادت فرزند باید فراهم شود؛ این مهم تا قبل از بلوغ بیشترین تأثیر را در ساخت شخصیت فرزند و فعال کردن استعدادهای متعالی او خواهد داشت؛ اگرچه پس از آن نیز همچنان باید حفظ شود. محور دوم، پرورش اوصاف فطری در بستری است که در محور اول حاصل شده است. محورهای سوم، چهارم و پنجم را نیز از ابتدا به میزانی که توانایی ادراکی فرزند تکامل پیدا می‌کند، باید در تربیت فرزند یا متربی دنبال کرد؛ اما اوج این رشد فکری در سال‌های نزدیک به بلوغ و پس از آن است. محور ششم با عنوان «تربیت فطرت بر فطرت» اگرچه از قواعد مهم تربیت در تمام مراحل است، به دلیل تفاوت آن با موارد قبل در پایان مطرح شده است.

۱. ایجاد فضای رشد و شکوفایی واعظ درون

حضور هم‌زمان و همیشگی دو جنبه فطرت و طبیعت، اقتضا می‌کند که بستر رشد و حرکت این دورا بهتر بشناسیم؛ زیرا آنچه به هرکدام از طبیعت یا فطرت میدان دهد، دیگری را منزوی خواهد

۱. همان، ص ۳۷ و ۴۳.

۲. همان، ص ۱۸۸ - ۱۸۹.

۳. محی‌الدین حائری شیرازی، مربی و تربیت، ص ۲۶۶ - ۲۶۷.

۴. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۱، ص ۱۲۶ - ۱۳۰.

کرد. در این بخش به پنج اصل و روش برای ایجاد فضای رشد فطرت اشاره می‌شود.

۱-۱. تکریم و محبت

تربیت مثل درخت‌کاری است؛ پدر و مادر یا مربیان نقش باغبانی را دارند که باید به موقع آب و نور و کود درخت را تأمین کند، اما گل کردن با خود درخت است؛ عقل و فطرت فرزند نیز مانند گل است. احترام و محبت کردن بستر رشد فطرت و همان آب و نوری هستند که باید برای شکوفایی انسانیت تأمین کرد.^۱

تذکر این نکته ضروری است که اگر فطرت کاملاً منزوی و طبیعت او حاکم باشد یا به تحقیر شدن عادت کرده باشد، متربی ظرفیت دریافت محبت و تکریم را ندارد و با دیدن نرمی و محبت، گستاخ و سرکش می‌شود. در این صورت برای شروع کار باید به طریقی (اکراه مقطعی) نفس او کنترل گردد و ابتدا ظرفیت تکریم و محبت در او ایجاد شود.^۲

۱-۲. اعتماد

اعتماد کردن یکی از روش‌های ضروری برای رشد واعظ درون است. تا زمانی که فرزند یا متربی دیگری را مراقب و مواظب خود بداند، افزون بر اینکه به او القای بی‌اعتمادی می‌شود، فطرت و ناظر درونی او نیز غیرفعال می‌شود؛ به همین دلیل هرچه قفل و بند اموال در خانه بیشتر باشد، فرزندان بیشتر به دست‌درازی سوق داده می‌شوند.^۳

۱-۳. کاهش کنترل خارجی

استقلال‌طلبی و کراهت از مداخله بیرونی از ویژگی‌های فطری انسان است. سمت‌وسوی تربیت از همان کودکی باید به گونه‌ای باشد که شخص در فهم و عمل به دانسته‌های خویش وابسته به مربی یا والدین و... نباشد.^۴ البته تا زمانی که عقل فرزند بالغ نشده است، باید این کمبود با مقداری حاکمیت و انضباط در خانه جبران شود؛ آن‌گاه به تدریج با آگاهی دادن باید عقل را جانشین ترس از والدین کرد و احساس مسئولیت در فرد زنده شود.^۵

۱. همان، ص ۱۳۱ - ۱۳۲.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۰ و ۱۶۳.

۳. همان، ص ۲۰۶.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۲۶ - ۱۲۷ و ۱۳۰.

۵. همان، ج ۴، ص ۲۱۵.

در احکام و فروع دین نیز اکراه مقطعی در مراحل اولیه برای شکستن سهل انگاری‌ها در نماز و برخی دستورات دینی می‌تواند مفید باشد؛^۱ اما با پیدایش توانایی کنترل بر خویش، باید به تدریج از مداخله‌ها کاسته شود تا تربی فقط برای رضای خداوند تکلیف خود را انجام دهد.^۲ بنابراین دخالت خارجی حتی تشویق و تنبیه، در حکم دارو است و نباید به رویه ثابت تبدیل شود؛ زیرا افزون بر القای بی‌اعتمادی، با عادت به دخالت بیرونی، کنترل درونی را از بین می‌برد.^۳ در موارد لزوم، نظارت باید از دور و بدون اطلاع فرزند باشد.^۴ تربیت مانند آموزش دوچرخه‌سواری است؛ در ابتدا که فرزند تعادل ندارد، او را با دست نگه می‌دارند و به محض پیدایش توانایی کنترل، دست را برمی‌دارند.^۵

با توجه به این مطلب می‌توان گفت دو نوع تربیت وجود دارد: تربیت منفی و تربیت مثبت. در تربیت منفی، مداخله رو به افزایش و در تربیت مثبت، رو به کاهش است. تربیت منفی و سیر غلط این است که حرف را ابتدا با کنایه، سپس با صراحت، بعد با نیش‌زدن، آن‌گاه با ناسزا می‌گویند و اگر اثر نکرد، در نهایت کتک می‌زنند؛ اما در تربیت صحیح بار اول اگر تذکری زبانی مطرح شده باشد، باید سیر تربیت و شیوه بیان به گونه‌ای باشد که در دفعات بعد با اشاره و یادآوری رفتار اصلاح شود؛ در مراحل بعد مربی با کم‌وزیادکردن محبت خویش، رفتار تربی را اصلاح کند؛ در نهایت نیز باید دخالت دیگران حذف شود؛ زیرا خداوند در وجود هر انسانی پیامبری گماشته است که او باید عهده‌دار تربیت و کنترل او شود.^۶

حضور و غیاب و نظارت ممتحن بالای سر دانش‌آموزان اگر در سال‌های ابتدایی مقطعی باشد تا ضرورت تحصیل و رعایت انضباط را برای موفقیت خویش درک کند، نوعی ظرفیت‌سازی و مفید است؛ اما پس از آن مضر به واعظ درونی است. بعد از ایجاد ظرفیت، باید تربی را از امتحان‌های متداول و حضور و غیاب معاف کنند و نظارت بر امور او نامحسوس انجام گیرد؛ البته می‌توان هر از گاهی بدون اطلاع قبلی از او امتحان گرفت. در این مرحله باید خود مراقبت از خویش را بر عهده بگیرد؛ به گونه‌ای که حتی اگر در بخشی از کلاس با

۱. همان، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. همان، ص ۱۷۵ - ۱۸۰.

۳. همان، ص ۲۱۱ - ۲۱۳.

۴. همان، ج ۴، ص ۲۰۷.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۷۸.

۶. همان، ص ۱۷۸ - ۱۷۹.

حواس پرتی مواجه شد، در دفتر حضور و غیاب خود ثبت کند؛ اگر نمره عالی به او بدهند، اما خود بداند که این درس را حفظ کرده و فهم نکرده است، برای خود نمره واقعی را ثبت کند.^۱

۴-۱. آزادی و فضای «لا اکراهی»

اکراه، کنترل و انضباط شدید یا نمره و سخت‌گیری در تربیت متخصصان فنون کارایی دارد؛ اما کلاس دینی و تربیت شخص متدین نیاز به فضای «لا اکراهی» دارد تا تحمیل‌ها کنار زده شود و او آزادانه با توجه به آگاهی خویش انتخاب کند.^۲ فطرت همانند عقربه قطب‌نماست که جهت‌گیری توحیدی و عملکرد صحیح آن تنها در شرایطی است که هیچ عامل خارجی در جهت‌گیری آن دخالت نداشته باشد.^۳

استقلال‌طلبی فرزندان به گونه‌ای است که حتی اگر احساس کنند کسی قصد دخالت یا القای مطلبی برای اصلاح آنان دارد، از او فاصله می‌گیرند. مطالب و تذکرات بهتر است غیرمستقیم منتقل شود؛ برای مثال فیلم یا کتابی تهیه کرد و آن را در معرض دید آنها قرار داد تا خود آن مطلب را دنبال کنند؛ متری باید احساس کند که خودش حرکت می‌کند نه اینکه او را راه می‌برند.^۴ اکراه مصادیق متعددی دارد؛ ترس و وحشت ناشی از جو خفقان و امنیتی یا فضای تحقیر و حتی رودربایستی هرکدام نوعی اکراه محسوب می‌شوند.^۵

۵-۱. فرصت عمل

میزان عمل به فهم، زاویه برخورد فرزند با مسائل را نشان می‌دهد؛ حتی در خردسالی که مقدار کمی از فهم و قدرت به انسان داده شده است، عمل به همین میزان از فهم دارای اهمیت است.^۶ بنابراین یکی از ملاحظات مهم در تربیت، کاهش فاصله بین عمل و علم است. هرچه انسان به مقتضای عقل خود عمل کند، قلب او پاک‌تر می‌شود و واعظ درون او درک عمیق‌تر، سریع‌تر و همراه با جزئیات بیشتری از مسائل خواهد داشت.

۱. همان، ص ۲۱۱ - ۲۱۳.

۲. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳. همان، ص ۴۴.

۴. همان، ص ۲۲۱ - ۲۲۲.

۵. همان، ص ۲۲۵؛ ج ۴، ص ۲۱۰ - ۲۱۱.

۶. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۴، ص ۸۹.

همان‌طور که بی‌آبی درخت را می‌خشکاند، آب زیاد و بی‌موقع هم سبب خفگی و فساد ریشه‌های درخت می‌شود؛ نصیحت و تذکر نیز مانند آبیاری عقل است. بعد از نصیحت باید فرصت عمل به دانسته‌ها فراهم شود تا علم و عمل به هم نزدیک شوند و اسباب رشد ایمان و دیانت فرزند فراهم شود. نصیحت و تذکر جدید تنها زمانی مفید است که موعظه قبلی هضم شده و تشنگی حاصل شده باشد. همچنین تذکر باید به امری باشد که عمل به آن آسان و در وسع مخاطب باشد. تذکرات پی‌درپی و فراتر از توان، بین علم و عمل فاصله ایجاد می‌کند و سبب صدمه به قلب و تحلیل رفتن ایمان می‌شود.^۱

۲. پرورش اوصاف فطری (صداقت، امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری)

در بستری که برای رشد و شکوفایی انسانیت فراهم شده است، می‌بایست اوصاف فطری فرزند را آبیاری نمود و از رشد صفات و عادات نامطلوب جلوگیری کرد. همان‌گونه که انبیا با تربیت صالحان در جامعه به مبارزه با مفسدان پرداخته‌اند، در تربیت نیز برای مبارزه با بدی‌های متربی باید خوبی‌های او را از دوران کودکی فعال کرد تا میل به امور فطری بر میل به امور غریزی غالب گردد و زمینه حاکمیت عقل و فطرت فراهم شود.^۲ در ادامه به سه صفت فطری به دلیل اهمیت بالای آنها پرداخته می‌شود.

«صداقت» و «امانت‌داری» دو مصداق بزرگ عقلانیت هستند. برای تقویت عقل و کمک به حاکمیت آن بر نفس، این دو صفت باید در هفت سال اول نهادینه شود.^۳ «احساس مسئولیت» نیز نیروی محرک انسان برای کنترل و نظارت بر خویش و اداره جامعه است.^۴ اساساً آموزش دین را نیز باید از فعال کردن احساس مسئولیت شروع کرد.^۵ در جای‌جای بیانات آیت‌الله حائری شیرازی، تمرین‌هایی برای رشد این اوصاف مشاهده می‌شود که در ادامه برای نمونه به مواردی اشاره شده است:

الف) امانت‌دادن به فرزند یا درخواست انتقال مال به دیگری، انگیزه درونی برای ادای امانت ایجاد می‌کند؛^۶

۱. همان، ج ۳، ص ۵۸-۵۹ و ۶۸-۶۹.

۲. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۴، ص ۹۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۹۴؛ ج ۴، ص ۸۳-۸۴.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۹۶.

۵. همان، ج ۱، ص ۲۱۹؛ ج ۴، ص ۶۶.

۶. همان، ج ۱، ص ۱۹۴.

ب) مطالبه شرح واقعه‌ای که رخ داده یا درخواست انتقال مطلبی به شخصی دیگر، تمرینی برای راست‌گویی و امانت‌داری در نقل کلام است؛^۱

ج) مشارکت‌دادن متریان و سپردن مسئولیت و مالکیت برخی امور (مانند نظافت مدرسه یا ...) به آنان همراه با آزادی عمل و اعتماد، تمرینی برای مسئولیت‌پذیری خواهد بود؛^۲

د) «در یک مدرسه‌ای پول گم می‌شد...؛ گفتم یک سینی بگذارید و مقداری پول داخلش بگذارید. یک دفتر هم کنارش بگذارید، بنویسید: هر کس هر اندازه احتیاج دارد، بردارد و در این دفتر بنویسد و بعد که احتیاجش رفع شد، پول را برگرداند و باز در این دفتر بنویسد. ماه اول پول کم می‌آمد؛ چون بیشتر برمی‌داشتند و کمتر جای آن می‌گذاشتند؛ اما ماه‌های بعد اصلاح شد و هیچ کم نمی‌آمد».^۳

هر اندازه که در او خودکفایی حاصل شود، مربی باید عقب برود. البته مسئولیت و مالکیت‌دادن بر امور، نوعی بارگذاشتن بر دوش فرزند است؛ اگر بیش از مقداری که فطرت فرزند بیدار شده است، به او مسئولیت یا آزادی بدهیم، می‌شکند.^۴ امام صادق علیه السلام برای رشد ایمانی افراد به رعایت ظرفیت آنها توجه می‌دهند و می‌فرمایند: «وَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ فَتَكْسِرُهُ».^۵

۳. رفع تعلقات دنیوی

آرزو و تعلق قلبی تأمین‌کننده نیروی حرکت، تعیین‌کننده جهت حرکت انسان، نخ تسیح تمام نیت‌های انسان و درنهایت محور تحولات انسان است^۶ و انقلاب فرهنگی و اصلاح زیربنایی با دگرگون‌شدن تعلقات انسان محقق می‌شود.^۷ با توجه به این مطلب همان‌گونه که تعلق قلبی به توحید و سرای آخرت نیروی حرکت انسان به سمت سعادت است، تعلقات پست دنیوی نیز مانعی برای شکوفایی و عملکرد صحیح واعظ درونی و حصول خودکفایی است: «در مقابل این

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۰۷؛ ج ۳، ص ۲۰۴.

۳. همان، ج ۳، ص ۲۰۴.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۲۳ - ۲۲۵.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۵.

۶. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۱، ص ۱۷۳.

۷. همان، ص ۹۰ - ۹۱.

واعظ، چسبندگی و دل‌بستگی‌هایی است که موجب رکود می‌شود و موجب این می‌شود که این واعظ درونی نتواند کار خودش را درست انجام دهد. مسئله تربیت، تحلیل‌بردن این موانع و آزادکردن آن واعظ است»^۱. برای جهت‌دهی توحیدی به آرزوها و دل‌بستن به آخرت باید در تربیت به ملاحظات مهمی توجه کرد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

الف) بیان حقیقت دنیا، موقت و معبر بودن آن و اصالت آخرت از طفولیت با نقل داستان و ...؛

ب) آموزش اصلاح نیت: جهت‌دهی نیت فرزند از انجام امور دنیوی به سمت خدا و آخرت^۲ و اجتناب از ایجاد رقابت‌های نفسانی بین دانش‌آموزان و تقویت نفسانیات به بهانه ایجاد انگیزه برای تلاش بیشتر^۳؛

ج) همراه کردن فرزند با سختی‌های طبیعی و دوری از تربیت در ناز و نعمت برای آزادی روح از غرایز^۴؛

د) تحریک نکردن غریزه در برنامه‌های کودک و نوجوان به بهانه جذب مخاطب^۵؛

هـ) ایجاد روحیه کاری از خردسالی با سپردن مسئولیت در خانه و مدرسه که سبب تقویت قلب، عقل و فطرت می‌شود.^۶

۴. اعطای بینش صحیح و رشد مربی درون

در نگاه اولیه، عوامل خارجی مؤثر اصلی در رفتار انسان‌ها عنوان می‌شوند؛ اما ریشه اصلی حرکات خارجی انسان در اندیشه اوست و اصلاح حقیقی رفتار با اصلاح اندیشه حاصل می‌شود.^۷ بر این اساس اصلاح اندیشه به همراه اصلاح آرزو و تعلقات قلبی دو عامل اصلی تحول درونی محسوب می‌شوند. بعد از آزادشدن از دل‌بستگی‌های دنیوی (که در بخش قبل توضیح داده شد)، واعظ درون نیاز به بینشی عمیق‌تر برای راهبری انسان دارد. عقل همانند شجره

۱. همان، ص ۱۷۳.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۸۸ - ۱۸۹.

۳. سخنرانی در جمع معلمان پرورشی کهگیلویه و بویراحمد (به نقل از پایان‌نامه علی فاطمی پور؛ «مبانی انسان‌شناختی و اهداف تربیت اخلاقی بر اساس دیدگاه آیت‌الله محی‌الدین حائری شیرازی»؛ ص ۱۲۵).

۴. محیی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۴، ص ۲۴۵.

۵. همان، ج ۳، ص ۱۸۱ - ۱۸۲.

۶. همان، ص ۱۱۸ - ۱۲۱.

۷. محی‌الدین حائری شیرازی، تفکر، ص ۷۹ - ۷۱.

طیبه‌ای است که خداوند دانه آن را در وجود انسان قرار داده است و باید با رسیدگی و آبیاری مناسب، از زیر غبارهای تعلقات دنیایی سربرآورد. انبیای الهی مأموریت دارند از طریق معارف و حیانی، عقل بشر را آبیاری کنند. والدین و مربیان نیز می‌توانند در نقش واعظ بیرونی این معارف را در قالب‌های مختلفی (قصه‌های انبیا، احادیث معصومان و پند و اشعار حکیمانه و...) به فرزندان و متریان خود انتقال دهند. معارف دینی ابزار لازم برای کنترل نفس و انتخاب صحیح را برای انسان فراهم می‌آورند.^۱

اگرچه معارف دینی مانند سلاح انسان در مقابل انحراف‌ها و لغزش‌هاست، اما صرف انتقال معلومات کافی نیست.^۲ آموزش دین باید همراه با بیدار کردن قوه تعهد باشد؛ یعنی همگام با آموزش، التزام به آن نیز تقویت شود.^۳

در آموزش صحیح از نظر محتوا و کیفیت، باید ملاحظات و موارد زیر رعایت شده باشد: الف) آشنایی با خداوند و حسن ظن به او، اعتقاد به رزاقیت او، ایجاد نگاه توحیدی و بیان نقش خداوند در هستی و اتفاقات زندگی و نیز آموزش مصادیق شرک برای جلوگیری از انحراف از مسیر توحید؛^۴

ب) بیان ناپایداری و واقعیت دنیا برای آزادشدن دل از تعلقات پست؛^۵

ج) تقویت اعتقاد به آخرت (بهشت و جهنم)؛^۶

د) توجه دادن به مسائل بنیادین زندگی برای بیداری احساس نیاز به امور معنوی؛ احساس نیاز شرط اصلی هر حرکت است؛^۷

ه) آشنایی با حلال و حرام؛^۸

و) آموزش خودشناسی: یکی از راه‌های آموزش خودشناسی با استفاده از آیات قرآن این است که قوای درون انسان را به شخصیت‌های قرآنی تنظیم کرد؛ برای مثال فطرت به موسی

۱. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۱، ص ۱۷۱ - ۱۷۴.

۲. محی‌الدین حائری شیرازی، تربیت دینی کودک، ص ۸۱.

۳. همان، ص ۱۳۲ - ۱۳۳.

۴. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۴، ص ۳۳ - ۴۷؛ همو، تربیت دینی کودک، ص ۱۹۵.

۵. محی‌الدین حائری شیرازی، تربیت دینی کودک، ص ۸۳.

۶. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۲، ص ۱۹۷.

۷. محی‌الدین حائری شیرازی، انسان الهی، ص ۱۱۵ - ۱۱۸.

۸. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۴، ص ۲۴.

درون؛ یا طبیعت به فرعون درون تطهیر می‌شود؛^۱
(ز) تقویت عزم و اراده برای مقابله با طاغوت و خواسته‌های نفس در قصه‌ها؛^۲
(ح) فقط ملاک به فرزند یا مربی آموزش داده شود، اما نتیجه‌گیری در اختیار خود اوست.^۳

۵. پرورش قدرت تفکر

حصول خودکفایی در عرصه اندیشه، افزون بر داشتن بینش صحیح، نیازمند پرورش قوه تفکر است تا بتواند در شناخت هستی و مواجهه با شبهه‌ها و انحراف‌ها اندیشه‌ورزی مستقل کند و راه صحیح را بیابد. این استعداد به صورت بالقوه درون هر انسانی وجود دارد که باید با روش‌های مناسب آن را پرورش داد. در ادامه به راهکارهایی در این باره اشاره شده است.

۵-۱. پرسش

مطرح کردن پرسش‌های فطری یا بازگرداندن پرسش فرزند به خود او و کمک برای رسیدن به پاسخ، قوه تفکر او را فعال می‌کند. مزیت این روش آن است که مربی، نتیجه را از آن خود می‌داند. تفکر در مسائل بنیادین چشمه‌ای از درون به بی‌نهایت باز می‌کند و ایمان از درون شروع به جوشیدن می‌کند.^۴

۵-۲. مشورت

برای بیداری واعظ درون باید از بیرون فضای خلأ ایجاد کرد تا انرژی متراکم درون مربی آزاد گردد و موتور فکر روشن شود. مربی باید نظر شاگردان را در رابطه با عملکرد خویش یا یافتن راه‌حل برای مشکلات و ناهنجاری‌های کلاس و مدرسه جویا شود.^۵ مشورت کردن با فرزند یا مربی به‌ویژه در هفت سال سوم که دوره به‌کار انداختن دارایی‌هاست، اهمیت بسیاری دارد و بهترین روش برای شخصیت‌دادن است.^۶

۱. همان، ج ۳، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۲. همان، ص ۸۵-۸۶.

۳. همان، ج ۴، ص ۱۳۲.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۹۰؛ ج ۴، ص ۵۴.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۳.

۶. همان، ج ۲، ص ۵۱.

۳-۵. تربیت تهاجمی در مقابل قرنطینه‌ای

ایجاد شرایط استریل و قرنطینه‌کردن متریان در مقابل هرگونه آلودگی و شبهات، سبب ایجاد حالت تدافعی و ترس از شرایط نامساعد و شکنندگی در مقابل انحراف‌ها و شهوات می‌شود.^۱ اما در مقابل روش آیت‌الله حائری شیرازی در تربیت شاگردان به گونه‌ای بود که بدون نیاز به استریل کردن محیط و صرف وقت فراوان، بلکه با آموزش روش پاسخ‌گویی به شبهات از یک‌سو، و اعتماد به متریان در مواجهه با محیط فاسد و شبهات از سوی دیگر، در آنها حالت تهاجمی در مقابل شبهات و مفساد و مصونیت درونی ایجاد می‌کردند.^۲

۴-۵. اجتناب از مریدپروری

یکی از سبک‌های آسیب‌آفرین در تربیت، ایجاد وابستگی و مریدکردن مرتبی است. در این روش با نشان دادن عجز مرتبی در فهم و ادراک و نتیجه‌گیری به جای او، اعتماد او را به تشخیص خویش از بین می‌برند. اولین آسیب، سلب قدرت تفکر از مرتبی و وابسته‌شدن به فهم و سلیقه مرتبی است. آسیب دوم، تعطیلی قدرت نقد و نظارت در برابر مرتبی است. سومین آسیب، فروریختن عقاید شخص با شکستن اعتماد به مرتبی است.^۳

۶. تربیت فطرت بر فطرت

تربیت فطرت بر فطرت بهترین سبک تربیت است که در آن مرتبی از طریق فطرت خویش با فطرت مرتبی تعامل می‌کند. این تعامل بر پایه محبت انجام می‌پذیرد.^۴ یکی از نکات اساسی در تربیت، حاکمیت عقل و فطرت و کنترل بر نفس در وجود مرتبی است. اگر غریزه و طبیعت درون والدین یا مرتبی حاکم باشد، نمی‌توان انتظار بیداری فطرت در فرزند یا شاگرد را داشت؛ در این حال «خودیت» فرزند در مقابل «خودیت» پدر قیام می‌کند و به شکل گستاخی، سرکشی و تظاهر بروز پیدا می‌کند. تنها زمانی که گوینده فطرت باشد، شنونده هم فطرت است. فطرت همانند طبیعت تحریک‌پذیر است؛ دیدن رفتارهای فطری از طرف والدین یا مربیان، جنبه نورانی انسان را بیدار می‌کند.^۵

۱. همان، ج ۴، ص ۲۵۵ - ۲۵۷.

۲. همان.

۳. محی‌الدین حائری شیرازی، راه رشد، ج ۴، ص ۲۳۱ - ۲۳۲.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۰۲.

۵. همان، ص ۸۳.

ممکن است گاهی در امر تربیت، خشم و حتی تنبیه نیز لازم شود؛ والدین در این هنگام باید به درون خود نظر کنند که گوینده و حاکم در آن حال فطرت است یا طبیعت؛ گاهی تشر یا تنبیه برای تشفی غیظ درون خود است. این «غضب نفسانی» بر طفل اثر سوء دارد. «غضب لله» آن است که پدر از بدی عاقبت عمل فرزند و از خوف خداوند، واقعاً نگران شود؛ حتی گاهی این نگرانی در چهره او نمایان شود، اما به دلیل اینکه فرزند توان تحمل این سوزش را ندارد، مقدار اندکی از آن را به نیت اصلاح او بروز دهد. بروز این نگرانی در چهره پدر و غضب خدایی او در فرزند، حفاظت و اعتصام درونی ایجاد می‌کند.^۱

محبت و نوازش نیز اگر فقط ناشی از تحریک عاطفه غریزی والدین با دیدن فرزند باشد، محبتی حیوانی است و سبب پیدایش حالت غرور و ذوقزدگی و سرکشی در فرزند می‌شود؛ اما نوازش از روی حساب و کتاب و از جنبه نورانیت، شخصیت و نور به طفل می‌دهد. والدین باید بدانند که فرزندان بازیچه و وسیله‌ای برای تشفی غیظ یا تسکین عاطفه آنان نیستند.^۲

نتیجه

جنبه نورانی انسان که اساس انسانیت اوست، به مثابه واعظ و حجتی از درون و همیشه همراه، وظیفه اصلی تربیت انسان را بر عهده دارد. این استعداد به طور بالقوه درون هر انسانی موجود است. وظیفه اصلی والدین و مربیان در راستای کمک به حاکمیت انسانیت بر نفسانیت و خودکفایی متربی در امر تربیت، فراهم آوردن شرایط برای شکوفایی واعظ درون و سپردن تربیت به آن است. نتیجه این پژوهش، یافتن شش محور کلی در بیانات آیت‌الله حائری شیرازی همراه با اصول و روش‌هایی در ذیل آنها برای تحقق خودکفایی است. برای بیداری مربی درون باید از طفولیت شرایط رشد آن فراهم شود؛ تکریم، محبت، اعتماد، کاهش کنترل خارجی، آزادی و فرصت دادن برای عمل، زمینه مناسبی برای رشد فطرت فراهم می‌آورد؛ آن‌گاه در این زمینه مناسب باید به رشد صفات فطری به عنوان سربازان عقل و فطرت برای تحقق حاکمیت آن پرداخت. بزرگ‌ترین مانع برای عملکرد صحیح واعظ درون، تعلقات پست دنیوی است؛ رفع این تعلقات بند را از پای آن باز می‌کند. پس از بیداری عقل و فطرت و برداشتن موانع، این واعظ تشنه و خواهان دریافت آموزه‌های وحیانی می‌شود تا در کنترل نفس و یافتن مسیر صحیح برای

۱. همان، ج ۳، ص ۳۲-۳۳.

۲. همان، ج ۴، ص ۵۱.

حرکت رو به کمال آموخته‌تر شود. همچنین برای ایجاد استقلال فکری می‌بایست قوه تفکر در مرتبه‌ی پرورش یابد. نتیجه‌ی این بیداری همراه با اصلاح تعلق و بینش، تحقق خودکفایی در تربیت است که حاکمیت انسانیت بر نفسانیت را به ثمر می‌نشانند. برای رشد فطرت و کنترل طبیعت مرتبه‌ی، لازم است مرتبه‌ی در تمام مراحل تربیت، نفس خود را مهار و فطرت خود را حاکم گردانند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۲. اسفندیاری، طه و حامد تهوری، «نوآوری‌های اندیشه تربیتی آیت‌الله حائری شیرازی»، نشریه تربیت اسلامی، دوره ۲۰، ش ۵۴، ۱۴۰۴ ش.
۳. حائری شیرازی، محی‌الدین، انسان الهی، تهران: لوح محفوظ، ۱۳۷۸ ش.
۴. حائری شیرازی، محی‌الدین، تربیت دینی کودک، قم: دفتر نشر معارف، ۱۴۰۰ ش.
۵. حائری شیرازی، محی‌الدین، تفکر، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۷ ش.
۶. حائری شیرازی، محی‌الدین، راه رشد، ۴ ج، قم: دفتر نشر معارف، ۱۴۰۲ ش.
۷. حائری شیرازی، محی‌الدین، مربی و تربیت، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۸ ش.
۸. فاطمی‌پور، علی، «مبانی انسان‌شناختی و اهداف تربیت اخلاقی بر اساس دیدگاه آیت‌الله محی‌الدین حائری شیرازی»، رساله کارشناسی ارشد، قم: موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، ۱۳۷۸ ش.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکاف، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.